جايگاه طب سنّتی و گياهان دارويی در بوستان سعدي

1. مقدمه

از آنجـا کـه بسـياري از عناصـر فرهنـگ عامّـه همچـون: آداب و رسـوم، اعتقـادات و باورهـا، بازی‌هـا و سرگرمي‌ها، پوشاك و خوراک، طب سنّتي و عاميانه و ساير موارد ديگر در ادبيّات فارسـي انعکـاس يافتـه اسـت، در اين جستار کوشش شده تا به برّرسي طب سنّتي در کتـاب *بوستان* سـعدی کـه تـأثير انکارناپـذيری بـر فارسـي زبانان گذاشته و منعکس‌کنندۀ آيين و سنّت ملّي مي‌باشد، بپردازيم. به دليل جابه‌جايی مراکز قدرت و گسترش علـوم در حوزه‌های آموزش علمی و فرهنگی شهرهای مختلف ايران، واژه‌های علمی و حِکمی، فلسفی و دينی، نجـوم و پزشکی در آثار شاعران سبک عراقی وارد شده است. نمايندگان اين سبک عمدتاً افرادی آگاه و مسلط بـر علـوم و فنون زمان خود بوده‌اند، از اين رو اشعار و آثار آنها همانند دايره‌المعارفی از اصطلاحات و مفاهيم علـوم و فنـون و صنايع زمان‌شان درآمده است. قدر مسلّم سعدی و حافظ می‌توانند در رأس شاعران اين دوره قرار گيرنـد، زيـرا کلام آنها سرشار از اين نوع مضامين نو و ابداعی است، به گونه‌ای که در هر يک از انواع علوم و فنون موجـود در روزگار آنان می‌توان نشانه‌هايی در آثارشان يافت.

2. هدف

يکی از وجوه مطالعه در فرهنگ عامّه مطالعه و برّرسی نوع باورها و چگونگی عقايد مردم در مواجهـه بـا بيماری‌هاست. در اين ميان موارد زيادی به چشم می‌خورد که شاعران از ويژگی‌هـای دارويـی گياهـان و گل‌هـای مختلف سخن می‌گويند و نحوۀ مصـارف درمـانی آن در عصـر خـود را در کـلام انعکـاس می‌دهنـد. در ايـن مقالـه سعی بر آن است تا طب سنّتی، درمانگران و گياهان دارويی در آثار سعدی شيرازی به خصوص بوستان منعکس گردد.

3. روش شناسی

براي انجام اين تحقيق به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای ضمن مطالعۀ مکرّر و استخراج ابيات مـورد نظـر در آثار سعدي به خصوص بوستان، به مقاله‌ها و کتاب‌هاي همچون: گلستان، غزليّات و کلّيات شيخ استناد شده است.

4. يافته ها

رشتۀ پزشکی در ايران باستان دارای پيشينه‌ای طولانی می‌باشد. دانشگاه جندی‌شاپور که در زمـان ساسـانيان به دستور شاپور يکم بنيان گذاری شد در سده سوم ميلادی، پذيرای شمار بسياری از دانشمندان از ديگر تمدّن‌ها و فرهنگ‌ها همانند روميان و يونانيان و هنـدوها بـوده اسـت. ايـن سنّت پزشـکی دربرگيرنـدۀ مجموعـه‌ای مـدوّن از فرهنگ پزشکی است که به دست گروهی از فرهيختگان و دانشمندن علوم پزشکی در ايران و جهان اسلام، ماننـد ابوبکر زکريای رازی، علی اهوازی، ابـن سـينا و شـمار بسـياری ديگـر فـراهم آمـده، و از ديربـاز تـا امـروز در جامعه‌های ايرانی و اسلامی کاربرد داشته است.

حکيمان، طبيبان، سلمانی‌ها و دلّاکان، عطّاران، شکسته‌بندها در طب سنّتی نقش آفرين و گروه‌های مـرتبط بـا رمّالان و دعانويسان و نيز زنان و پيرزنـان در طـب عاميانـه تأثيرگـذار بودنـد. منـابع اطلاعـاتی ايـن درمـانگران اغلب برگرفته از دانش پيشينيان در قالب طب سنّتی و طـب عاميانـۀ بـوده اسـت. ايـن افـراد بـيش از هـر چيـز بـه عوامل روحی و روانی بيمار توجّه می‌کردند و سعی داشتند تا با تشخيص مشـکلات روانـی بيمـار بـه درمـان وی بپردازند. داستان کنيزک و زرگر در دفتر اوّل *مثنوی معنوي* مولوي خود نمونۀ بارز آن است.

ایرانیـان از دیربـاز و حتّـی پـیش از دیگـران در زمینهٔ گیاهـان دارویـی و کـاربرد درمـانی آنهـا از دانـش پیشرفتهای برخوردار بودهاند. نمونهٔ بارز آن کتاب باستانی *اوستا* است. در یکی از پنج بخش تشکیل دهندهٔ اوسـتا، قسمتهای عمدهای به گیاهدرمانی، معرفی گیاهان دارویی و کاربرد آنهـا اختصـاص یافتـه اسـت. امـا متاسـفانه در لشکرکشـی اسـکندر مقـدونی، در آتـش سـوزی نـابود شـد. و متاسـفانه بعـدها نیـز بـر اثـر تخریـب قلعـههای فرقهٔ اسماعیلیه و آتش زدن کتابخانههای آن بوسیله هلاکوخان مغول، بقیهٔ آثار مکتـوب گیاهـان دارویـی کـه توسـط ایـن فرقه جمع آوری شده بود، از میان رفت، تا اینکه در قرن هشتم و نهـم مـیلادی، اطبـای ایرانـی رونـق خاصّـی بـه طبابت ایران و جهانیان بخشیدند. به طوری که دانشمندان و نوابغی نظیر ابوعلی سینا و محمـد زکریـای رازی بـا انتشار کتابهای معروف خود (*قانون* و *الحاوی*) پیشرفتهای زیادی نصیب ملّت ایران و جهانیان کردند.

گیاهان دارویی از زمانهای قدیم توجّه ایرانیان را بـه خـود جلـب کـرده بـود. پزشـکان بـزرگ ایرانـی معتقد بودند که بدون گیاه درمانی دردی وجود ندارد. ترکیبات طب سنّتي، یکی از بهترین درمانهـای طبیعـی از گذشـته تا به حال بودهاند و هر کدام به صورت مجزّا خـواص جداگانـهای بـرای خـود دارنـد. امـا در طـب عامیانـه جهـت درمان بیماریها، علاوه بر گیاهان دارویی که به صورت سنّتی و خانگی بهـره مي‌برنـد، گـاه از مـواد معـدني و حتّي از جادو و جنبل نیز استفاده مي‌شده است.

5. منابع

1. اخياني، جميله. (1388). *بزم آرايي در منظومه هاي داستاني*، چاپ اوّل، تهران: سخن.
2. چغميني، محمود بن محمد. (1350). *قانونچه*، ترجمهٔ محمدتقي مير، شيراز: دانشگاه پهلوي.
3. خرّمشـاهي، بهاءالـدين. (1373). *حـافظ نامـه*، 2بخـش، چـاپ ششـم، تهـران: شـركت انتشـارات علمـي و فرهنگي.
4. دهخدا، علي اكبر. (1385). *لغت نامه*، 2ج، به كوشش غلامرضا ستوده و ايرج مهركي و اكرم سلطاني، زير نظر سيدجعفر شهيدي، چاپ اوّل، تهران: دانشگاه تهران.
5. راوندي، مرتضي. (1372). *تاريخ اجتماعي ايران*، ج 5و7، چاپ سوّم، تهران: روزبهان.
6. سعدي، مصلح بن عبدالله. (1340). *ديوان*، تصحيح محمدعلي فروغي، چاپ اوّل، تهران: كانون معرفت.
7. سـعدي، مصـلح بـن عبـدالله. (1368). *گلسـتان سـعدي*، تصـحيح غلامحسـين يوسـفي، چـاپ اوّل، تهـران: خوارزمي.
8. سعدي، مصـلح بـن عبـدالله. (1385). *غزلهـاي سـعدي*، تصـحيح غلامحسـين يوسـفي، چـاپ اوّل، تهـران: سخن.
9. سـعدي، مصـلح بـن عبـدالله. (1387). *بوسـتان سـعدي*، تصـحيح غلامحسـين يوسـفي، چـاپ نهـم، تهـران: خوارزمي.
10. شـهري، جعفـر. (1367). *تـاريخ اجتمـاعي تهـران در قـرن سـيزدهم*، 6ج، چـاپ اوّل، تهـران: اسماعيليان.
11. عطّار، محمد بن ابراهيم. (1386). *اسرار نامه*، تصحيح محمدرضا شفيعي كدكني، چـاپ سوّم، تهران: سخن.
12. فتـاحي قاضـي، فوزيـه. بي‌بـاك، سـامان. (1393). « گیاهـان دارويـي و طـب سـنتی در ادبيـات پارسی»، همایش ملی گیاهان دارویی و کشاورزی پایدار،2، ص از 142 تا 163.
13. كارلارسرنا، مادام. (1362). *آدمها و آيينها در ايران*، ترجمه ي علي اصغر سعيدي، چـاپ اوّل، تهران: نقش جهان.

14. مولوي، جلال الدّين محمّد. (1384). *مثنوي معنوي*، به کوشش محمدحسن فروزانفر، چاپ یازدهم، تهران: زوّار.
15. نجم آبادی، محمود. (1375). *تاریخ طب در ایران پس از اسلام* (از ظهور اسلام تا دوران مغول)، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.